اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

جنگ‌افت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH
شماره نوزدهم

روزنامه الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
و قانون‌گذاری‌های استانی

۲ اردیبهشت ۱۴۰۵
٤ ذی القعده ۱۴۴۷
۲۲ آوریل ۲۰۲۶
شماره نوزدهم



آقای دکتر علی فتحی
عضو کارگروه سیاسی و حکمرانی اندیشکده زنجان

مسدود کردن تنگه هرمز و هدف قراردادن پایگاه های متجاوزان در کشورهای دیگر حق دفاع مشروع جمهوری اسلامی است. امریکا حافظ به اصطلاح صلح جهانی خود بروز ناامنی و برهم زننده صلح جهانی و تجاوز در جهان گردیده است. عدم‌رعایت قواعد آمره بین المللی که از سوی جامعه بین المللی، قاعده ای تخلف ناپذیر به رسمیت شناخته شده و جهان شمول میباشد. قاعده منع تجاوز بدون مجوز سازمان ملل و قطعنامه شورای امنیت صرف نظر از مفاد بنیادین سازمان ملل به ویژه در رعایت بند ۴ ماده ۲ منشور از جمله ان بوده است که متجاوزین به کشوران را نقض نمودند.

امریکا در طول تاریخ نحس خود بارها منشور سازمان ملل را با وجود عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل، نقض و بدون مجوز این سازمان به کشورها تجاوز و اصل حاکمیت سرزمینی کشورهای دیگر را به بهانه های واهی نقض نموده است و با تجاوز به کشور عزیزمان انواع جرائم بین المللی را مرتکب گردیده است از جمله:

جنایات علیه صلح: که شامل جنگ تجاوزکارانه و جنگ ناقض تعهدات بین‌المللی و توطئه سازش جنایتکارانه در پی قصد تجاوز بوده است

جنایات جنگی: نقض مقررات و عرفهای جنگی، جنایات ارتکابی علیه افراد غیرنظامی و خسارات به اموال عمومی و خصوصی، انهدام عمدی شهرها و روستاها و مراکز درمانی و بهداشتی و پل و ...از جمله این جنایات امریکای جهانخوار میباشد.

جنایات علیه بشریت: از جمله ادم‌ربایی بین المللی، دزدی دریایی، ارتکاب جرائم علیه اشخاص و افراد، از عراق تا افغانستان از پاناما تا ونزوئلا و سپس ایران عزیز، در اقدامات امریکای متجاوز و رژیم جعلی، نهفته است

اقدامات اخیر متجاوزان به کشور عزیزمان برخلاف منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی و کنوانسیون‌های بین المللی به ویژه نقض اشکار کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۸ توسط امریکا این یاغی بین المللی و رژیم کودک کش، محرز، محسوس و نقض گردیده است.

نکته دیگر در خصوص تنگه هرمز ایران عزیز تاکنون از حق حاکمیتی خود بنا به دلایلی از جمله به جهت اجتناب از هر گونه جنگ و مشکلات اتی ان برای ملت چون انجام مذاکرات بی فایده با علم بر فریب دشمن و قابل اعتماد نبودن امریکا و بستن زبان یاوگویان داخلی و خارجی همیشه منتقد، کوتاه امده بود، چرا که حفظ امنیت و نظارت بر تنگه هرمز برابر با قوانینی بین المللی جز لاینفک مالکیت سرزمینی جمهوری اسلامی و در بخشی با کشور عمان بوده است.

تنگه هرمز از آن ابهای سرزمینی جمهوری اسلامی ایران بوده و با تعریف بین المللی کشتی های جنگی مطلقا بدون مجوز کشور ساحلی (ایران) با لحاظ منطقه امنیتی طبق قانون بین الملل ۳۰۰ مایل دریایی، انهم در حال جنگ حق عبور ندارند و کشتی های باری نیز با شرایطی باز به مجوز کشور مالک سرزمینی تنگه یعنی جمهوری اسلامی و در بخشی به کشور عمان نیازمند است.

نکته اساسی اینجاست تنگه هرمز جزاب های ساحلی کشور و جز منطقه امنیتی بوده و حق نظارت و حفظ امنیت کشور ایران بر ان حاکم خواهد بود

اقدامات جمهوری اسلامی ایران در تنگه هرمز در حفظ امنیت کشور در حال جنگ؛ ناقض هیچ عهدنامه یا معاهده ای نبوده است چرا که تاکنون کشورها بدون لحاظ مالکیت سرزمینی ایران و حقوق متصوره در حفظ امنیت تنگه از سوی ایران، حقوق گمرکی و سرزمینی ایران را زیر پا گذاشته بودند برخلاف کانال سوئز عهدنامه قسطنطنیه ۲۹ اکتبر ۱۹۸۸ و یا پاناما معاهده پونس فوت مورخ ۱۸ نوامبر ۱۹۰۱ و یا کانال کیل و معاهده ورسای مورخ ۱۹۱۹ و امثال ان؛ تنگه هرمز مشمول هیچ معاهده ای نیست و ایران اسلامی ناقض هیچ عهدنامه ای نبوده و طبق حقوق بین الملل برای حفظ امنیت کشور خود با وجود صلاحیت ذاتی و مدنی و به ویژه امنیتی تمام کشورها مکلف به هماهنگی با کشور ساحلی (ایران) برای عبور از تنگه بوده به ویژه در شرایط جنگی و مواجه با کشتی های متجاوز اعم از تجاری و جنگی نیز تکلیف مشخص و بدست پاسداران حافظ دریای نیلگون خلیج فارس در صورت عدم اطاعت از دستور به قعر دریا خواهند رفت.

این جنگ تحمیلی میتواند روند احقاق حق قانونی جمهوری اسلامی را بر تنگه هرمز تسریع نماید، من بعد با وجود، نص صریح قواعد آمره بین المللی و حقوق متصوره ایران بر تنگه، موجبی برای تامین حقوق قانونی و اعمال حق حاکمیت سرزمینی و ساحلی به تنگه را تضمین و کشتی های عبوری، حقوق گمرکی ایران را پرداخت نمایند و حق نظارت و کنترل بر تنگه با جمهوری اسلامی و ایضا عمان به صورت قانونی به رسمیت شناخته شود و در صورت پیشنهاد عهدنامه باید این فرصت را غنیمت شمرده و از حقوق قانونی ملت بر تنگه هرمز دفاع گردد. صرف نظر از بحث تنگه هرمز امریکای جنایتکار و رژیم کودککش با وجود مبانی بنیادین سازمان ملل که هدف از تشکیل سازمان ملل متحد که عبارتند از:

حفظ صلح امنیت بی المللی
توسعه روابط دوستانه میان ملتها
همکاری بین المللی در حل مسائل بین المللی
مرکز واحد برای هماهنگی اقدامات بین ملل

و اصول بنیادین ان:

اصل برابر حاکمیت اعضا سازمان ملل
اصل حسن نیت در اجرای تعهدات توسط کشورهای عضو
اصل عدم تهدید به زور یا حتی عدم استعمال ان به هر نحو
اصل عدم مداخله در امور کشورهای دیگر

و...

بنا به مراتب بر شمرده متجاوزین خود ناقض حقوق مسلم بین المللی در تجاوز به کشور بدون مجوز قانونی از شورای امنیت بوده اند.

یکی از وظایف مجمع عمومی به طریق شورای امنیت برقراری صلح جهانی و محکومیت هر کشوری که به کشور عضو سازمان ملل تجاوز کرده خواهد بود؛

باید دید ایا با وجود نقض اشکار قوانین بین المللی از سوی امریکای یاغی ورژیم کودک کش و تجاوز به کشور عزیزمان اقدامی بر پایه صلاحیت ذاتی از سوی سازمان ملل به انجام رسیده است اگر پاسخ منفی است چرا؟

متاسفانه تاکنون حرکت مثبت صرف نظر از حق وتوی امریکای در شورای امنیت در متجاوز اعلام کردن امریکا و رژیم کودک کش حداقل طرح محکومیت متجاوزان صورت نگرفته است و به عبارتی این سازمان در عمل برخلاف اصل بنیادین شکل گیری به وظیفه ذاتی خود وقتی متجاوز یک کشور عضو دائم شورای امنیت بوده نه تنها اقدامی مؤثر در ثبات صلح جهانی از خود نداشته است بلکه خود صلح جهانی را به مخاطره انداخته است مهمتر اینکه متجاوز خود عضو دائم شورای امنیت و به اصطلاح حافظ صلح جهانی بوده و انچه مستند به قوانین بین الملل ذکر شد مرتکب جنایات جنگی و بر ضد بشریت و صلح جهانی گردیده است و مدارک و مستندات این تجاوز با وجود پذیرش تجاوز از سوی امریکا و اقاریر صریح رئیس جمهور فاسد امریکای متجاوز در فضای حقیقی و توئیتر در شبکه ایکس دایر بر تجاوز و ترور و به شهادت رساندن امام شهید (رضوان الله علیه) و فرماندهان و مردم عادی (رحمه الله علیه) و حتی پل و زیرساخت ها و...مؤید اثبات بدون نیاز به ارائه دلایل جدید در تجاوز غیرقانونی به کشور جرائم ارتکابی مصداق بارز جنایات جنگی بنا به منشور و اصول بنیادین سازمان ملل بوده است.

به یقین دفاع جانانه کشور در این تجاوز تاریخ ساز خواهد بود و پیروزی ایران عزیز با مقاومت و تقابل قاطع تاکنون خود پیروزی و به امید خدا در مقابل این جنایات ضد بشری و به پشتوانه فرماندهی بی نظیر فرمانده معظم کل قوا و حمایت های مادی و معنوی مردم بابصیرت پیروزی نهایی نیز با جمهوری اسلامی خواهد بود با این تفاوت که ایران عزیز از قدرت منطقه به قدرت جهانی انچه امام شهید فرمودند تبدیل خواهد شد و در این نظم نوین، جایگاه نظامی، اقتصادی و امنیتی کاملا به نفع جمهوری اسلامی ایران به لطف خدا دگرگون خواهد شد.

انچه مختصر از چارچوب ارکان سازمان ملل و جایگاه امریکای یاغی دران و عضویت در شورای امنیت به عنوان به اصطلاح حافظ صلح جهانی و در عمل ضد صلح جهانی و برهم زننده نظم و امینت جهانی امد، غرض این بود که امریکا نه تنها صلاحیت عضویت شورای امنیت را ندارد بلکه یک جنایتکار جنگی تلقی و اقدامات ایران عزیز تاکنون در هدف قراردادن پایگاه های متجاوز در کشورهای دیگر و مسدود کردن تنگه هرمز مطابق با قوانین بین المللی حق و دفاع مشروع از حاکمیت سرزمینی جمهوری اسلامی بوده است و با عنایت حضرت اباصالح المهدی عج و شجاعت و اقتدار نیروهای مسلح جان برکف و انقلابی و حضور مردم بابصیرت در حفظ مساجد و میادین با وجود رهبری فرزانه حفظه الله و نیروهای مسلح از جنس ظهور؛ پیروزی قطعی با جمهوری اسلامی خواهد بود. ان شاالله امریکا یا چنین دفاع قدرتمندانه و مقاومت جمهوری اسلامی را باور نداشته و یا فریب نتانیاهو ی کودک کش را خورد، وگرنه وارد جنگی که ذلت و شکست را بر امریکا تحمیل کند، نمیشد البته خداوند دشمنان اسلام را از احمق ها قرار داده است و به لطف خدا همه توطئه های دشمنان صهیون با مقاومت کشور و بصیرت مردمی نقش بر اب شد.

به یقین خداوند یاری دهنده مومنین در مقابل کفار میباشد.

امام خمینی ره: اگر میخواهید به این مملکت آسیبی نرسد پشتیبان ولایت فقیه باشید.

والعاقبه للمتقین

اللهم عجل لولیک الفرج

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

جنگ‌گرافت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی

روزنامه لکترونیکی @HOKMRAH
شماره نوزدهم

روزنامه الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
و قانونگذاری‌های استانی

۲ اردیبهشت ۱۴۰۵
٤ ذی القعده ۱۴۴۷
۲۲ آوریل ۲۰۲۶
شماره نوزدهم

اقدام زمینی آمریکا در ایران

آقای دکتر تورج رحمانی عضو کارگروه سیاسی و حکمرانی اندیشکده زنجان

جنگ رمضان تا لحظه‌ی نوشتن متن حاضر یک جنگ هوایی بوده، اگرچه اکنون رژیم صهیونی در لبنان درگیر جنگی زمینی است اما ایران هنوز وارد این فاز نشده است. بسیاری از کارشناسان نظامی باور دارند نتیجه‌ی جنگ در صورت ورود طرف‌های درگیر به این فاز مشخص خواهد شد. قطع به یقین ورود جنگ به این فاز نتایج متفاوتی به همراه خواهد داشت. نبرد زمینی اگر برای آمریکا موفقیت‌هایی داشته باشد یک پیروزی تاکتیکی و مقطعی خواهد بود اما برای ایران معنایی کاملا متفاوت خواهد داشت. اما چرا چنین است؟

به همین سادگی که خاک متعلق به ایران است و نبرد در ایران رخ می‌دهد. لذا نیروی ایرانی برای خاک خود می‌جنگد و از هیچ واکنشی ولو غیرمتعارف پرهیز نخواهد کرد. ضمن اینکه فاکتورِ زمان هم برای نیروهای مسلح ایران ایجاد محدودیت نمی‌کند. همچنین در این نبرد هر هزینه‌ای برای ایران قابل توجیه است. در حالی که تصرف و حفظ خاک ایران از هر بُعدی (تاریخی، جغرافیایی، نظامی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، اخلاقی) برای آمریکا ایجاد چالش خواهد کرد. چنین هدفی برای آمریکا بسیار دشوار و خسارت‌بار خواهد بود. از این رو اگر هم به ظاهر موفقیتی داشته باشد در واقع وارد باتلاقی شده که تا زمان ترک منطقه در این باتلاق تلفات خواهد داد. مشابه این وضع در ویتنام، عراق، افغانستان و ... نیز اتفاق افتاد، در حالی که مورد ایران بسیار دشوارتر است. البته اگر آمریکا نتواند همان موفقیت تاکتیکی و کوتاه مدت را هم کسب کند که محتمل‌تر به نظر می‌رسد، به شکستی جدی‌تر تعبیر می‌شود و طرفین وارد سطح متفاوتی از نبرد شده و معادلات جنگ تغییر خواهد کرد.

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد برخلاف تصور رایج به نحوی که در ظاهر، نیروهای مسلح ایران آمریکا را از انجام چنین عملیاتی برحذر می‌دارند در عمل با برخی اقدامات آن را به انجام این کار ترغیب می‌کنند. تکنیکِ «تحذیرِ ظاهری» و «ترغیبِ باطنی» در فضاهای مشخصی از این نبرد به چشم می‌خورد. تمرکز ایران بر امارات در بین کشورهای جزیره‌العرب، توامان به گونه‌ی نمادین و واقعی که به نظر می‌رسد بیش از هر جایی نقطه عزیمت آمریکا برای اقدام زمینی باشد، نشانه‌ای از این تکنیک است. حتی در صحبت‌های سخنگوی قرارگاه خاتم‌الانبیاء نیز این تکنیک به وضوح قابل مشاهده است. وقتی سخنگوی قرارگاه درباره پیاده کردن سربازان آمریکایی برای تصرف خاک ایران هشدار می‌دهد و در پی آن مُفصَّل‌تر و بسیار برانگیزاننده از عدم تعادل ترامپ سخن می‌گوید، این مطالب به وضوح از عصبانی کردن ترامپ حکایت می‌کند. در این مطالب تلاشی برای برافروخته ساختن و به هم ریختن ترامپ و وادار کردن وی برای اتخاذ تصمیم غلط دیده می‌شود. در میدان نیز حوادث متعددی این مطلب را تایید می‌کند و معنایی جز وادار ساختن ترامپ به اتخاذ چنین تصمیمی ندارد. از آن جمله است سناریوهای هالیوودی متعددی که برای تصرف جزایر یا سرقت ۴۵۰ کیلو اورانیوم مطرح می‌شود در برابرِ فقدان هرگونه طرحی از سوی نیروهای مسلح ایران جهت مقابله با این اقدامِ احتمالی.

به زعم من سکوت معنادار و فقدان تصویری از شیوه تقابل با طرح‌های آمریکایی در کنار انواع معناداری از طرح‌های وسوسه‌انگیز که افشای هر یک قبل از اجرا خود نشانه‌ی قابل بحثی در این معناست، بیشتر مخاطب را متقاعد می‌سازد که نیروهای مسلح ایران پروژه‌های خطرناکی برای نیروهای آمریکا تدارک دیده‌اند. آنچه روی می‌دهد تلاشی است برای ترغیب ترامپ تا ارتش آمریکا را به این گرداب هل دهد.

از سویی منطقی است اگر نیروی‌های مسلح ایران در خصوص اقداماتِ زمینیِ احتمالیِ آمریکا برنامه‌ی بسیار مفصلی تدارک دیده باشند. همچنین غیرمنطقی است تصور کنیم ایران به این امر وقوف ندارد که وارد ساختنِ آسیب‌های اساسی به مواضع آمریکا و تغییر شرایط جنگ با وارد شدن به فازی جدید ممکن‌تر خواهد بود. چنانچه ایران بتواند آمریکا را وارد این فاز کند (برخلاف تصور رایج که آمریکا را مشتاق این اقدام و ایران را نگران از آن نشان می‌دهد) تا متعاقبا بتواند خسارات و تلفات و اسارت‌های سنگینی به آمریکا تحمیل نماید و از طرفی همچنان تنگه هرمز را تحت کنترل داشته باشد آنگاه می‌توان گفت برتری ایران در جنگ تثبیت شده و در چنین موقعیتی می‌تواند هزینه خسارت‌های وارد شده را از متجاوزان مطالبه کند.

با شواهد و داده‌های موجود، ابطال این گزاره که نیروهای مسلح ایران برای چنین دستوری از طرف ترامپ (اقدام زمینی علیه ایران) لحظه‌شماری می‌کنند و ضیافت مجللی برای سربازان آمریکا ترتیب داده‌اند، دشوار است.

نکته آخر اینکه شاید دشمن با خاطره شهریور ۱۳۲۰ به چنین اقدامی دست بزند اما خاطره‌ای که در ذهن ملت ایران نقش بسته خرمشهر است که شهر خون شد اما از ایران جدا نشد.

وحدت رویه؛ شرط ضروری پیروزی در جنگ سرنوشت‌ساز



آقای دکتر عباس قنبری
عضو علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری مجلس شورای اسلامی زنجان

در آستانه انتخاب تاریخی

امروز، جمهوری اسلامی ایران در یکی از حساسترین مقاطع تاریخ معاصر خود قرار دارد. جنگی که با تجاوز آشکار آمریکا و رژیم صهیونیستی آغاز شد، به مرحله‌ای سرنوشت‌ساز رسیده است. در چنین شرایطی، هر تصمیم، هر اقدام و حتی هر بیانیه‌ای می‌تواند بر ترازوی پیروزی یا شکست تأثیرگذار باشد.

وحدت؛ سلاح استراتژیک در میدان نبرد نامتقارن

تجربه تاریخی ثابت کرده است که در جنگ‌های تمام‌عیار، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده، وحدت ملی و انسجام داخلی است. دشمنان ایران همواره در پی ایجاد شکاف و چندپارگی در صفوف ملت و نظام بوده‌اند. آنها خوب می‌دانند که تضعیف همبستگی ملی، مؤثرتر از هر سلاح پیشرفته‌ای می‌تواند امنیت کشور را به خطر اندازد.

در این برهه حساس، تمام نهادها، سازمان‌ها و شخصیت‌های تأثیرگذار باید با درک عمیق از شرایط، از هر اقدامی که بتواند به چندصدایی و اختلاف‌نمایی تعبیر شود، پرهیز کنند. حتی نیت‌های خیرخواهانه و دغدغه‌های اخلاقی، اگر در قالب بیانیه‌های جداگانه و بدون هماهنگی با خط اصلی نظام بیان شوند، می‌توانند آب به آسیاب تبلیغاتی دشمن بریزند.

اخلاق مقاومت در برابر اخلاق تسلیم

برخی با استناد به مبانی اخلاقی، خویشتنداری در برابر حملات به مراکز علمی منطقه را توصیه می‌کنند. اما پرسش اساسی اینجاست: آیا اخلاق حکم می‌کند که در برابر دشمنی که کودکان را در مدارس هدف قرار می‌دهد، بیمارستان‌ها را بمباران می‌کند، دانشمندان را ترور می‌کند و دانشگاه‌های ما را نشانه می‌رود، منفعل بایستیم؟

اخلاق اسلامی، اخلاقی پویا و مبتنی بر عدالت است. آیه شریفه «فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ» (بقره/۱۹۴) به وضوح حق دفاع مشروع و پاسخ متناسب را به رسمیت شناخته است. نیروهای مسلح ما با درایت کامل، حتی در اوج درگیری‌ها، اصول اخلاقی و اسلامی را رعایت می‌کنند. اخطارهای قبلی برای تخلیه مراکز علمی منطقه که به پادگان‌های نظامی تبدیل شده‌اند، گواه این مدعاست.

اقتصاد مقاومتی؛ از تهدید تا فرصت

جنگ کنونی، علاوه بر ابعاد نظامی و امنیتی، آزمونی بزرگ برای اقتصاد مقاومتی ایران است. خسارات سنگین زیرساختی، نیازمند راهکارهای نوآورانه و مبتنی بر خوداتکایی است. اما در کنار این تهدیدها، فرصت‌های بی‌نظیری نیز پدیدار شده است. توانایی ایران در کنترل تنگه راهبردی هرمز، نه یک ادعا که واقعیتی ژئوپلیتیک است. این موقعیت استثنایی می‌تواند زمینه‌ساز تحول تاریخی در اقتصاد کشور شود. درآمدهای حاصل از حق عبور، لغو تحریم‌ها و دریافت غرامت جنگی، می‌تواند چهره اقتصادی ایران را دگرگون کند. اما تحقق این چشم‌انداز، در گرو پیروزی در میدان نبرد و حفظ وحدت در میدان تصمیم‌گیری است.

حکمرانی یکپارچه در زمانه بحران

نهادهای علمی و دانشگاهی کشور در این شرایط خطیر، مسئولیتی سنگین بر عهده دارند. این مسئولیت نه در صدور بیانیه‌های جداگانه، که در اقدامات زیر متبلور می‌شود:

۱. تقویت گفتمان وحدت: ایجاد هماهنگی بین دانشگاه‌ها برای صدور بیانیه‌های مشترک و یکپارچه ۲. پشتیبانی علمی از جبهه مقاومت: بسیج تمام ظرفیت‌های پژوهشی برای ارائه راهکارهای عملی ۳. روایت‌سازی امیدبخش: تقویت روحیه مقاومت و پایداری در میان نسل جوان ۴. مشاوره راهبردی: ارائه تحلیل‌های کارشناسی به نهادهای تصمیم‌گیر بدون ایجاد موازی‌کاری

سخن پایانی

ملت ایران امروز بر سر دوراهی تاریخ ایستاده است. انتخاب ما نه تنها آینده خودمان، که آینده کل منطقه را رقم خواهد زد. در این مسیر، وحدت کلمه، انسجام ملی و حکمرانی یکپارچه، مهم‌ترین سرمایه ما برای رسیدن به پیروزی نهایی است.

باید به خاطر داشته باشیم که اگر مقاومت هزینه دارد، سازش و تسلیم، هزینه‌هایی به مراتب سنگین‌تر و جبران‌ناپذیرتر در پی خواهد داشت. باید با خرد جمعی، اراده ملی و وحدت کلمه، سرنوشت افتخارآمیز ایران اسلامی را در تاریخ جهان ثبت کنیم.

اندیشکده‌های حکمرانی و قانون‌گذاری استانی

جنگ‌گرافت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی

روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH شماره نوزدهم

روزنامه الکترونیکی
اندیشکده‌های حکمرانی
وقانونگذاری‌های استانی

۲اردیبهشت ۱۴۰۵
٤ ذی القعده ۱۴۴۷
۲۲ آوریل ۲۰۲۶
شماره نوزدهم

بررسی اجمالی ابعاد جنگ رمضان
در سه محور اهمیت این جنگ ،طرف پیروز ، تاثیر این جنگ بر معادلات بین المللی و منطقه ای

آقای دکتر رضا رحیم پور
عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان زنجان

در تحلیل اهمیت این جنگ همین بس که پیروزی جمهوری اسلامی ایران به معنای پیروزی تمامی آزادی خواهان جهان و تزریق شجاعت به مردم دنیا در برابر زورگویان و مبارزه با نظام سلطه است که صد ها سال به عنوان هژمونی برتر،خود را بر کشور ها غالب کردند .

حال اولا باید دانست که جنگ جمهوری اسلامی ایران با استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی ،جنگ بین حق و باطل وجنگ بین ندای استقلال طلبی با نظام سلطه و ضد بشری است بنابراین اگر در این نبرد نابرابر، جمهوری اسلامی، پیروز شود که پیروز خواهد شد (در ادامه دلایل آنرا اشاره خواهم کرد) به مفهوم این است که ایران به عنوان تنها نماینده نظام دینی با مکتب اسلام سیاسی با گفتمان مبارزه با کفر و مظاهر ضد دینی ، ظلم ستیزی استکبار ستیزی ، استقلال طلبی و حمایت از مستضعفان عالم در مقابل ابر قدرت جهانی و نماینده نظام سلطه با مکتب لیبرالیسم غیر دینی و سرمایه داری غالب شده و نگرش گزاره های قرن ها به اصطلاح اندیشمندان غرب در عدم موفقیت حکومت دینی با چالش بزرگی مواجه خواهد شد و ایرا ن اسلامی به عنوان الگوی کارامد یک حکومت دینی در کشور های مستعد به لحاظ دینی اسلامی معرفی خواهد شد کما اینکه هنوز هم این آتش زیر خاکستر در برخی کشور ها از سالها پیش شعله ور شده است.

از سوی دیگر از بعد سیاست بین الملل، که جهان بعد از جنگ جهانی دوم به دو ابر قدرت و بعد از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ به یک ابر قدرت (هر چند در کلام) تبدیل شده بود ،که با اعلام پیروزی قطعی ایران ،این تفکر و توهم قدرت پوشالی پذیرفته شده آمریکا در دنیا هم به چالش کشیده می شود و شجاعت فرو خفته در بعضی بازیگران بین المللی در مقابله با استکبار زورگوی جهانی فوران می کند ودر اصل، ایران بیدار کننده دنیا در مقابله با ظلم و ستم و برده داری نوین که ساخته اندیشه غرب و آمریکا ئیها و نژاد پرستان است ،خواهد بود کما اینکه از الان هم تکانه های این زلزله در میانه جنگ خودش را نشان می دهد و مصداق آن عدم همراهی کشور ها (یکی پس از دیگری) با آمریکا است.

و اما طرف پیروز این جنگ برای تحقق اهمیت راهبردی و انسانی اشاره شده آن بر اساس روند جنگ ،جمهوری اسلامی ایران است چرا که دشمنان بویژه امریکا با تمام لشکرکشی ها و اعزام پیشرفته ترین و بزرگترین ناو های خود به منطقه و ده ها جنگنده فوق پیشرفته، مدعی بود که پس از ترور رهبران و فرماندهان جمهوری اسلامی ،و ایجاد آشوب داخلی از پیش برنامه ریزی شده تصور قطعی بر این بود که کار ایران در چند روز اولیه تمام است ،وبه اصطلاح آنها، با رژیم چنج، ایران تسلیم تهدید ها و خواسته های آمریکا خواهد شد(البته برای این معادله ، دشمن ماهها تمرینات نظامی انجام داده بود و با سوار بر محاسبات و قدرت غرور و تجهیزات نظامی ، باور یافته بود که پیروز میدان است و برای همین حتی بدون کسب اجازه از کنکره جنگ را شروع کرد) که در عمل نه تنها اهداف شوم انها اتفاق نیفتاد و پاسخ کوبنده از سوی ایران دریافت کردند ،بلکه پس از چند روز اولیه، دشمن به طبل مذاکره می کوبد و جالب تر اینکه این به اصصلاح ابر قدرت از کشور های غربی برای یاری او در این جنگ التماس می کند و در پاسخ منفی آنها ، از سر عصبانیت، تهدید می کند .

از سوی دیگر ایران اسلامی با اقتدار به ادامه جنگ تا شکست و فرار دشمنان از منطقه فکر می کند ، فلذا تشدید حملات دشمنان با ترور وحمله به مراکز علمی آموزشی ، تحقیقاتی ،مناطق مسکونی و اماکن غیر نظامی ،تاسیسات و زیر ساخت ها ، استیصال کامل دشمنان و دست و پا زدن آنها را نشان می دهد که در مصاف میدان و نبرد با نیروهای مسلح غیور ایران ،توان مبارزه ندارند و با آشفتگی تمام خود را به دیوانگی زده و به جنایت علیه مردم می پردازند.

و اما مهمترین دستاورد این جنگ ،همبستگی ملی و حضور میلیونی مردم در خیابانها در حمایت از نیرو های مسلح و تاکید بر تنبیه متجاوزان و اعلام آمادگی ۱۰ میلیونی برای دفاع مستقیم که عامل اصلی تولید قدرت ملی است که دشمنان را به حیرت واداشته است جدای از خیابان که مردم انرا به خوبی میدان داری می کنند برای افزایش روحیه رزمندگان و خنثی کردن توطئه توسط بد خواهان این مرزو بوم و مزدوران دشمن ، در جبهه مستقیم نیز رویایی با دشمنان هم با شگفتی ادامه دارد .

موشک های نطقه زن و پهپاد های نیروهای مسلح عرصه را بر دشمنان تنگ کرده و با بستن تنگه هرمز نبض اقتصاد جهانی را بدست گرفته است که این نشانه های پر قدرت ،پیروزی نزدیک را برای جمهوری اسلامی نوید می دهد

و در اخر اینکه پس از پیروزی ایران چه نظمی در جهان و منطقه صورت خواهد گرفت؟ باید گفت با این دستاورد مهم استراتژیکی و حیاتی اولا موجودیت نابودی کامل رژیم صهیونیستی به شمارش خواهد افتاد که در گام بعدی تنها با یک حرکت مقاومت پایه های سست شده آن فرو خواهد ریخت، دوما پیروزی در برابر آمریکا و نوچه او رژیم صهیونیستی ،هژمونی پوشالی ایالات متحده و قدرت واقعی جمهوری اسلامی را در جهان نشان خواهدداد و علاوه بر اینکه ایران به عنوان یک قدرت جهانی و منطقه ای ظهور می کند در معادلات جهانی و بویژه در منطقه نقش آفرین خواهد بود

هرچند باز یاد اور می شود در طول این جنگ هم تا کنون نسیم روح قدرت یابی ایران کم کم علاوه بر کشور های حقیر منطقه خلیج فارس که به شدت از آینده خود در نوکری کردن آمریکا در هراسند ،نمایان شده برای برخی کشور های غربی و اروپایی از جمله فرانسه ، اسپانیا ،ایتالیا ، آرژانتین و حتی انگلستان نیز شجاعت ایرانیان و دست برتر انها در مصاف با ابر قدرت ها پر آوازه شده و همراهی نکردن انها با التماس های مکرر ترامپ در جنگ با ایران، موید این ادعا و شکست هیمنه آمریکا است.

وَ هُوَ مَعَکُم اَینَ ما کُنتُم



اقتصاد جنگ و راهبرد صنعتی ایران در میانه تهدید و فرصت

آقای دکتر عباس قنبری
عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری مجلس شورای اسلامی زنجان

جنگ کنونی علیه ایران، افزون بر ابعاد نظامی و امنیتی، یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است. هدف دشمن، نابودی زیرساخت‌های صنعتی و فلج کردن موتور محرکه اقتصاد ایران است. این مقاله با تحلیل دوگانه «تهدید علیه صنعت» و «فرصت برای بازآرایی صنعتی»، راهبردهای ضروری برای مقاومت و پیشرفت اقتصادی در شرایط جنگ را بررسی می‌کند. رویکرد اصلی مقاله، عبور از دفاع منفعلانه و حرکت به سمت ابتکار عمل اقتصادی مبتنی بر «اقتصاد مقاومتی تهاجمی» است.

ماهیت جنگ اقتصادی علیه صنعت ایران حمله نظامی دشمن به تأسیسات کلیدی مانند پتروشیمی، صنایع هایتک، فولاد و زیرساخت‌های حیاتی، تصادفی نیست. این حملات، حساب‌شده و با هدف حذف ایران از نقشه رقابت‌پذیری جهانی طراحی شده‌اند. دشمن به خوبی می‌داند که صنعت، ستون فقرات اقتصاد ملی و مولد اقتدار استراتژیک است. در مقابل این تهاجم، دو دیدگاه کلی در فضای تحلیل شکل گرفته است:

دیدگاه انفعالی (صلح به هر قیمت): که استدلال می‌کند باید برای جلوگیری از تخریب بیشتر، به میز مذاکره بازگشت و طرح‌های صلح (حتی با شرایط نابرابر) را پذیرفت. این دیدگاه، نگرش «صلح کنیم که نزند» را ترویج می‌کند.

دیدگاه مقاومت فعال (اقتصاد دفاعی-تهاجمی): که معتقد است تنها با افزایش هزینه تجاوز برای دشمن از طریق پاسخ متناسب و قاطع، می‌توان امنیت پایدار ایجاد کرد. این نگاه، منطق «چشم در برابر چشم» و حتی فراتر از آن را دنبال می‌کند تا دشمن را از تکرار حمله منصرف کند. صنایع کشورهای همسایه و منطقه‌ای که در خدمت استکبار جهانی قرار دارند، عمدتاً صنایع وابسته و ناسالم هستند. این صنایع فاقد اصالت، پاکی و استقلال هستند و به‌عنوان ابزاری در دست قدرت‌های سلطه‌گر برای تحقق اهداف استعماری عمل می‌کنند. در مقابل، صنعت ایران، صنعتی پاک، اصیل و خودبنیاد است که ریشه در اراده ملی و استقلال کشور دارد. صنعت ایران با وجود همه تحریم‌ها، به بلوغ قابل توجهی رسیده و دارای توان مهندسی و دانش فنی عمیقی است که می‌تواند ضربات را تحمل و حتی پاسخ دهد.

ستون‌های مقاومت صنعتی: از سربازان تولید تا آمایش سرزمینی مقاومت صنعتی ایران بر دو ستون اصلی استوار است:

نیروی انسانی متعهد: افسران تولید: مدیران و صاحبان صنایعی که با درک شرایط جنگی، حاضر به تعطیلی خطوط تولید نشده‌اند و با خلاقیت، چالش‌های لجستیکی و امنیتی را مدیریت می‌کنند.

سربازان تولید: کارگران، تکنسین‌ها و مهندسانی که شبانه‌روز در شرایط سخت، برای روشن نگه داشتن چرخ‌های تولید تلاش می‌کنند. حمایت از این قشر، تنها یک وظیفه اقتصادی نیست، بلکه یک ضرورت امنیتی و ملی است.

بازآرایی فضایی صنعت (آمایش صنعت): جنگ اخیر یک درس حیاتی داشت: تمرکز جغرافیایی صنایع بزرگ‌مقیاس، آنها را در برابر حملات دشمن آسیب‌پذیر می‌کند. ایران با وسعت سرزمینی و تنوع اقلیمی خود، ظرفیت بی‌نظیری برای «توزیع و پراکندگی صنعتی» دارد. باید از صنایع بزرگ‌مقیاس متمرکز (که اهداف آشکار دشمن هستند) به سمت شبکه‌ای از صنایع متوسط و کوچک در گستره جغرافیایی کشور حرکت کنیم. این اقدام، هم امنیت ملی را افزایش می‌دهد و هم به توسعه متوازن مناطق کمک می‌کند.

از حمایت شعاری تا حمایت عملی: الزامات حکمرانی در زمان جنگ شعار سال که بر حمایت از تولید ملی تأکید دارد، در شرایط جنگ از اهمیت استراتژیک برخوردار می‌شود. این حمایت باید از سطح شعار فراتر رفته و در قالب اقدامات عملی محقق شود:

تأمین امنیت فیزیکی صنایع: تقویت پدافند هوایی و سایبری اطراف قطب‌های صنعتی

تسهیلات اضطراری: ارائه تسهیلات ارزان‌قیمت، معافیت‌های مالیاتی موقت و تأمین نقدینگی برای صنایع آسیب‌دیده یا در معرض خطر.

پشتیبانی لجستیکی: ایجاد کریدورهای امن برای انتقال مواد اولیه و محصولات نهایی. حمایت از صنایع مردمی و کوچک‌مقیاس: این واحدها به دلیل پراکندگی و پنهان‌بودن، کمتر در تیررس دشمن هستند و می‌توانند در تداوم چرخه اقتصادی نقش حیاتی ایفا کنند. تنظیم برنامه راهبردی صنعتی با استفاده از ظرفیت جنگ جنگ اگرچه ویرانگر است، اما می‌تواند به عنوان یک «شوک سازمان‌دهنده» عمل کند و اصلاحات ساختاری ضروری را شتاب بخشد. باید با استفاده از این شرایط، یک «برنامه راهبردی آمایش صنعت ایران» با ویژگی‌های زیر تنظیم شود:

تاب‌آوری: افزایش توان صنایع برای تحمل شوک و تداوم تولید.

پراکندگی: توزیع جغرافیایی مراکز تولیدی بر اساس منطق امنیتی-اقتصادی. خوداتکایی: تقویت زنجیره‌های تأمین داخلی و کاهش وابستگی به واردات حیاتی. نوآوری: جهش در فناوری‌های دفاعی و دوگانه (نظامی-غیرنظامی)

انتظار از مسئولین: پاسخ قاطع فراتر از تناسب

دشمن، عمداً و حساب‌شده، به صنعت و زیرساخت‌های حیاتی ما حمله کرده است. انتظار ملت از مسئولین نظامی و امنیتی، تنها یک پاسخ متناسب (چشم در برابر چشم) نیست. بلکه انتظار می‌رود با ابتکار عمل و ضربات کاری و غیرمنتظره، هزینه تجاوز را برای دشمن به حدی افزایش دهند که نه تنها از تکرار حمله بترسد، بلکه در کل معادله منطقه‌ای بازنده شود. این پاسخ قاطع، بزرگ‌ترین تضمین برای امنیت صنایع و ادامه تولید ملی است. اقتصاد ایران در آتش جنگ آزموده می‌شود. مسیر پیش رو، نه پذیرش طرح‌های صلح تحمیلی (که خود نوعی شکست است)، و نه انفعال در برابر تخریب صنعت است. راهبرد پیروزی، در تلفیق «مقاومت صنعتی داخلی» با «پاسخ نظامی قاطع و فراتر از متناسب» نهفته است. باید با حمایت واقعی از سربازان و افسران تولید، بازآرایی هوشمندانه صنعت بر اساس آمایش سرزمینی، و طراحی برنامه راهبردی صنعتی برای دوران پساجنگ، از این تهدید بزرگ، فرصتی تاریخی برای خیزش صنعتی ایران بسازیم. این همان «اقتصاد مقاومتی تهاجمی» است که می‌تواند آینده ایران را در منطقه و جهان تضمین کند.

